

دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲–۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵–۱۶ اکتبر ۲۰۲۳– سال بیست‌ودوم– شماره ۶۰۵

کارگردان نامدار و همسرش سلاخی شدند

فاجعه در سکانس آخر داریوش مهرجویی



گزارش پزشکی قانونی در مورد داریوش مهرجویی و همسرش

رئیس کل دادگستری استان البرز بیان کرد: ضرباتی با چوب و یا جسم سخت نیز به سر مرحوم مهرجویی برخورد کرده است که منجر به شکستگی سر شده و علت فوت نبوده است.

فاضلی هرکندی گفت: طبق گزارش پزشکی قانونی فرضیه‌ها درمورد تجاوز درمورد هر دو نفر از مقتولین منتفی است.

رئیس کل دادگستری استان البرز تاکید کرد: دستورات قضایی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عوامل این جنایت در سریع‌ترین زمان ممکن به مقامات قضایی و انتظامی استان البرز صادر شده و تاکید می‌شود از هرگونه گمانه‌زنی در خصوص مسبب یا مسببین این جنایت تا زمان روشن شدن ابعاد پرونده خودداری شود.

و گزارش درباره این پرونده کرد.»

سکونتگاه ایشان و حفاظت بیرونی ساختمان در محل حادثه حضور یافته بود، در اولین واکنش‌ها به ایسنا گفت که ترجیح می‌دهم جزئیات این جنایت توسط نیروی انتظامی و دادستانی اعلام شود اما اطلاعاتی که در اینجا کسب کردیم، حاکی از آن است که دختر آقای مهرجویی ساعت ۱۰ شب به منزل برگشته و متوجه این فاجعه شده است.

وی افزود: در حال حاضر، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شده و محل حادثه توسط نیروهای پلیس در دست بررسی است. همچنین شواهدی از احتمال سرقت وجود دارد اما در مورد اینکه اتساع غیرایرانی در این جنایت نقش داشته‌اند هنوز شواهدی در دست نیست.
شورایعالی تهیه‌کنندگان سینما و کانون کارگردانان سینمای ایران در بیانیه‌ای مشترک در رابطه با قتل داریوش مهرجویی و همسرش درخواست کردند که هر چه زودتر ابعاد این فاجعه بزرگ روشن شود.
در بخشی از متن این پیام آمده است: «شوکی غریب و ناباورانه برای سینما و همه فرهنگ ایران، داریوش مهرجویی دانای بزرگ در خانه‌شان،اینگونه سلاخی شدند؟! جنایت در هر کجای جهان ممکن است اتفاق بیافتد ولی داستان حقیقت در کمترین زمان ممکن حق مردم است،خصوصا در ارتباط با هنرمندان و مشاهیرشان. از پلیس امنیت به‌ عنوان حافظ اصلی شهروندان تقاضا می‌کنیم باتوجه به دوربین‌های نصب شده در

شsb این خبر تلخ را شنیدم و بسیار شوکه شدم. صحت این امر را تیتز ما کاملاً مشخص است (سننور علی سننوری را دزدیدند). من هنوزم نمی‌دانم قتل دقیقاً چه ساعتی اتفاق افتاده است.

همسر مهرجویی به خبرنگار اعتماد گفته بود:

«پیش از این هم مدتی قبل یکسری وسایل از جمله سنننور مربوط به فیلم سننوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

مهرجویی، کارگردانی مولف

مهرجویی که روزگاری به آمریکا رفت تا در دانشگاه فقط سینما بخواند، رشته اصلی‌اش را به فلسفه با گرایش سینما تغییر داد و در دهه ۱۳۴۰ شروع به فیلمسازی کرد تا سال ۴۸ که یکی از آثار ماندگار سینمای ایران یعنی «گاو» را ساخت؛ فیلمی که تولیدش سختی‌های خود را داشت و تهیه‌کننده‌های زیادی آن را رد می‌کردند، چون آن روزها دور، دور فیلم‌هایی مثل «گنج قارون» با رقیب و آواز بود.

او در همان سال‌های قبل از انقلاب چند فیلم دیگر از جمله «دایره مینا» را ساخت و چند سال بعد از انقلاب هم با «جاره نشین‌ها» یکی از بهترین فیلم‌های کمدی سینما را ثبت کرد.

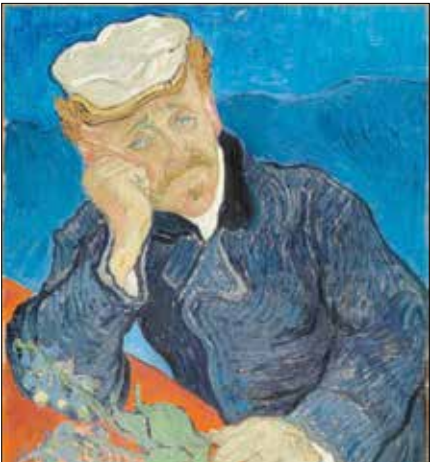
مهرجویی در سال ۶۸ تصمیم به ساخت فیلمی می‌گیرد که هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر به همکاری برای تولید آن نمی‌شود، چون آن را در فروش موفق نمی‌دانند ولی مهرجویی که دوست داشت آنچه را در سر دارد بسازد برای اولین بار خودش تهیه‌کنندگی یک فیلم را برعهده می‌گیرد و این طور می‌شود که «هامون»، یکی از به یادماندنی‌ترین فیلم‌های مهرجویی و سینمای ایران می‌شود.

«بانو»، «سلار»، «پری»، «لیلا»، «بمانی»، «درخت گلابی» و «همه‌سان مامان» دیگر کارهای مهم و شاخص این فیلمساز در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بودند تا اینکه سال ۸۵ «سننوری» ساخته شد؛ فیلمی که در جشنواره فجر تحسین‌برانگیز بود و جایزه هم گرفت، اما شب اکران عمومی‌اش توقیف شد. این توقیف که ضربه سختی برای مهرجویی بود، سه ماه بعد به قاچاق دی‌وی‌دی فیلم ختم شد.

او که در تمام این سال‌ها مشغول نوشتن و ترجمه هم بوده، پس از «سننوری» به‌سراغ ساخت فیلم‌هایی رفت که دیگر مثل قبل علاقمندان و مخاطبانش را راضی نمی‌کرد؛

فیلم‌هایی که اگرچه شاید با دغدغه شخصی و اجتماعی مهرجویی ساخته شدند اما انتظار طرفداران مهرجویی را برآورده نکردند و این تصور را پیش آوردند که شاید دوران اوج او به پایان «سننوری» به پایان رسیده است. ۲۳ مهر ماه ـ در روزنامه اتفاق افتاد، کاملاً اتفاقی بوده و مسئولان روزنامه هیچ اطلاعی از قتل نداشتند.

ایسن روزنامه‌نگار قدیمی‌در گفت‌وگویی با ایسنا درباره ماجرای اصلی انتشار گفت‌وگوی همسر داریوش مهرجویی در روزنامه صبح یکشنبه اعتماد صراحتاً تأکید می‌کند: متأسفانه بسیاری تلاش می‌کنند در این فضا به یکدیگر نسبت‌های ناجور بدهند. این در حالی است که چطور ممکن است یک روزنامه از قتل به این بزرگی خبردار باشد و این تیتز را برزند! من تأکید می‌کنم انتشار این مصاحبه کاملاً اتفاقی بوده و ما اطلاعی از قتل آقای مهرجویی و همسرشان نداشتیم. او سپس توضیح می‌دهد: خبرنگار ما این مصاحبه را چند روز پیشتر با همسر آقای مهرجویی انجام داده بود و مصاحبه مجددی با ایشان برای تکمیل حرفت که صبح روز گذشته این مصاحبه توسط خبرنگارمان تکمیل شد و ما آن را برای چاپ آماده کردیم. اگر تأکیدمان در تیتز روی سننور و زدی آن بود، مسئله حساساتی کار برایشان بود وگرنه این خبر کاملاً قابل بوده است. من تأکید می‌کنم صبح روز گذشته، خبر چیده شد و روزنامه اعتماد بعدازظهر شنبه زوایات و تگرانی‌ها بین مردم عزیز، ندبگان گرامی و هنرمندان شریف کشور شوند.



«ون گوگ» یک روز در اتاقی در مهمانخانه‌ای واقع در شهر «اور سور اواز» از خواب برخاست و به روال هر روز با بومی در دست برای نقاشی کردن از مهمانخانه خارج شد. همان شب با زخمی کشنده ناشی از شلیک گلوله به مهمانخانه بازگشت و دو روز بعد یعنی در ۲۹ جولای ۱۸۹۰ درگذشت.

یابد استادکاران شناخته شسونند؛ جا و مکان و حقوق در سفرهایی که به انگیزه این جشنواره‌ها برگزار می‌شود، پیش‌بینی شود.

مثلا در منطقه آوارمانات در کردستان به علت داشتن شهر در خود و یا خود زندگی کرده و از کفش تا لباس تا خوراک و آذوقه زمستانی خودشان را تهیه کرده‌اند. جانماز، چاقیم و تمام بافتنی‌ها و ابزار آلات اولیه از ابداعات خودشان بوده است که حال بیشتر یا به تاریخ پیوسته یا در حال موت است، می‌توان بعضی از استادکاران این خطه را برای آموزش در جشنواره آورد و کارگاه گذاشت. وهاب‌زاده افزود: در تیزر انواع ابزار آلات مربوط به فرش به طور سنتی تهیه شده است.

نگاه

در سوگ آن سیاوش که از آتش گذشت

حسین قره

نامش در شناسنامه محمدرضا بود و پدرش از قرا مشهد، در نوجوانی شهره شهرش ششد به خوش‌الحانی چراکه فراتنش کم‌نظیر بود. دلش را نغمه‌های ایرانی ربودند و در جوانی زانو به‌زانو استناداتی نشست تا نغمه‌خوان شود و چیزی نگذشت که نغمه‌خوانیش عالم‌گیر شد. از سر حرمت نغمه‌خوانی را مخفی کرده بود از پدر و نام سیاوش را برگزیده بود. برزنده بود این نام برایش چراکه زان آتش نهفته که در سینه داشت خورشید شعله‌ای بود که در آسمان این سرزمین می‌سوخت. زمانی که صدایش در محافل شور ملکوت را رقم زد و عشاق برده‌نشین شیفته آن آوا و آواز شدند، به جمبه صدای آن روزگار (رادیو) راه یافت. اگرچه خودش معلم جوانی بود در روستایی از توابع چناران اما در تهران کنار بزرگان اهل‌فن و موسیقی به غمزه مسئله‌ام‌ص مدرس شد.

حتماً می‌دانید آنچه گفتم درباره محمدرضا شجریان گفتم و هرچه بگویم و بگویند درباره او کم گفته‌ایم و کم گفته‌اند. از باب روایت در روزهای سالگردی که او دیگر نیست و جاودانه گشته است در مقام «روح‌الارواح»، می‌نویسم تا یادآور باشسیم که یادش زنده است. زانو زد و آن فوت‌ها که استادان خیره بر خُمره می‌زنند را از درانه‌های دوران همچون عبدالله دومی و احمد عیادی و نورعلی خان برومند … آموخت تا پاسدار میراثی باشد که به هزارها سینه سوختگان اهل نوا سینه‌به‌سینه نقل کرده بودند تا به او برسد که حق‌ترین شاگردان عصر و دوران بود.

سیاوش با هم‌نسلان خود همچون محمدرضا لطفی و حسین علیزاده و ناصر فرهنگ فر… که پنجه بر ساز داشتند، چون نسیم سحری در هوای فرهنگ موسیقایی این سرزمین وزیدند و چاووش بیداری شدند بر خوابی که گریبان موسیقی ایران را گرفته بود. گام‌هایشان همه بر میزان جهانی نو بود. انگاز از ریشه‌های چند هزار سال اهنگ برخاستن بر خاسته تا تازه گل‌ی شکوفا شود در میان ابتذال که موسیقی را برده بود. محصول آن رویش‌ها و رشدها مجموعه چاووش بود، که نباید نقش و جایگاه شاعر بلندآوازه هوشنگ ابتهاج – سایه- را در این میان فراموش کرد.

شجریان درختی تناور شده بود و دیگر با نام خود می‌خواند و همه محمدرضا شجریان را در جشن و هنر شیراز می‌شناختند. آوازهایی که جان را روشنی می‌داد و پرده‌هایی که یک‌به‌یک بالا می‌رفت و «شب رحلت‌ها می‌ساخت که گل‌هایی تازه بود. گاه و بانگ سبیده‌مد بود و همه تصویری از آفتاب و روزهای روشن داشتند، بر روی نیض سرزمین چاووش خوانان سرودها ساختند تا همراه مردم باشند، اگرچه در بعد از انقلاب هم اینان اولین کسانی بودند که یا زندگی در خفا کردند که اهل طرب بودند و یا به‌اجبار جلای وطن که روزگار خاموشی ساز بود. شجریان در اولین روزهای انقلاب در کلاسی نمونه ای خواند برای آن‌که نشان دهد قرآن‌خوانی نیز در دستگاه موسیقی قابل‌جمع است، آن کلاس و آن تمرین «رنما» شد و مردمان مسلمان افطار به افطار در انتظار بودند تا با پایان رنما روزه بکشند. رنما هرسال از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد اما خود شجریان و بسیاری دیگر از اجرا محروم بودند. تا سال‌ها گذشت که آستان جانان بیرون آمد. بهت شجریان از روزگار آلبومی دیگر ساخت که لبریز از آییناد بود. حیرت‌ش را از حافظ وام گرفت که: «گوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند…»

سسال‌ها گذشت او در فراق محمدرضا لطفی با پرویز مشکاتیان… و به قله‌های آواز ایرانی رسید. او با پایان دهه ۶۰ و آغاز دهه هفتاد تلاش کرد تا هر سال یک یا دو آلبوم را با مردمان مشتاق در میان بگذارد. از دود عود تا توغای عشق‌بازان.

شب، سکوت، کویر آغاز دور تازه‌ای از موسیقی برای او و کیهان کلهر بود که با افزوده شدن حسین علیزاده و همایون شجریان مجموعه کارهای زی‌مستان و بی تو به سر نمی‌شود ساخته شد که سال‌ها اوج و کمال کار این مجموعه بود. در شجریان درحالی‌که هر امکانی برایش قابل تحقق بود، اما بر اصول بود بر موسیقی فاخر و عهدش با مردم استوار ماند. ساز ساخت، سنت‌شکنی کرد و… و همچون آتش‌سوار فرخنده بی از این حصار بیرون جهید.

منبع:خبر آنلاین

اخبار کوتاه

باز طراحی و باز تجهیز کتابخانه تخصصی کودک

آستان قدس رضوی

گروه فرهنگی – جواد لگزبان:
خادمیاران کتاب آستان قدس رضوی فرایند باز طراحی و باز تجهیز کتابخانه تخصصی کودک آستان قدس رضوی را آغاز کردند. پنج شنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۲ جمعی از خادمیاران کتاب آستان قدس هم‌زمان با هفته ملی کودک با حضور در کتابخانه تخصصی واقع در منطقه خواجہ ربیع مشهد با اهدای ۲۰۰ جلد کتاب داستان کودک، ۱۰۰ جلد کتاب درسی، ۱۰۰ جلد کتاب کمک درسی، ۲۰۰ کتاب معلومات عمومی و ۱۰۰ بازی فکری و اسباب بازی برای کودکان کتابخانه برنامہ جامع باز طراحی و باز تجهیز کتابخانه تخصصی کودک را آغاز کردند.

در این مراسم که با حضور صمیمی و انگیزه‌بخش خانواده‌ها و کودکان همراه بود، کارگاه نوشتن خلاق و آشنایی با نویسندگان هم برگزار شد که در این کلاس شرکت‌کنندگان دلنوشته‌ها و خاطرات خود از حضور در حرم مطهر امام رضا (ع) را به رشته تحریر درآوردند و به برگزیدگان جوایزی اهدا شد. دکتر سیدعباس مرجانی مدیر فعالیت‌های داوطلبانه و خادمیاری سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در این مراسم گفت: در راستای تأکید تولیت معزز آستان قدس رضوی برای خدمت به مناطق محروم، مرکز خادمیاری بسا تمام توان برنامه جامع بساز طراحی و باز تجهیز کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان را به اجرا درمی‌آورد. اهدای کتاب و وسایل کمک آموزشی و برگزاری کلاسهای ویژه آموزشی و اردوهای جهادی برای کودکان بخشی از این فعالیت‌های است.انالله بینه بتدریج این کتابخانه را به مرکز شایسته‌تری در جهت معرفی فضائل و ارزش‌های مردم عزیز، ندبگان رضوی تبدیل خواهد کرد. شایان ذکر است کتابخانه تخصصی کودک سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۸ در مجتمع فرهنگی و هنری امام خمینی (ره) در منطقه خواجهربیع در شهر مشهد افتتاح شده است. این کتابخانه که برای استفاده کودکان سه تا سیزده سال رانندازی شده است دارای بخش‌های ویژه‌ای برای کتاب‌های داستانی، بازی‌های فکری، نشریات کودکان و بازی‌های جسمی و حرکتی کودکان است.

«لوور» باز شد

موزه «لوور» و «کاخ ورسای» یک روز پس از تخلیه و تعطیلی به دلیل بمب‌گذاری احتمالی، از امروز بازگشایی شدند. به گزارش ایسنا، موزه «لوور»، پردازبزرگ‌ترین موزه‌ای در فرانسه است که دریافت یک تهدید کتبی بمب‌گذاری در روز شنبه (۲۲ مهرماه)، هزاران بازدیدکننده را تخلیه کرد.

با این حال، وبسایت موزه «لوور» با انتشار پیامی از بازگشایی این مکان از امروز (یکشنبه ۲۳ مهرماه) در ساعات همیشگی خبر داد.

علاوه‌بر موزه لوور، کاخ سلطنتی «ورسای» نیز روز گذشته به دلیل احتمال وجود تهدید امنیتی، تخلیه شد. همچنین یکی از بزرگ‌ترین ایستگاه‌های مترو فرانسه به نام «لیون» در پی کشف احتمالی مواد منفجره، تخلیه شد.

وب‌سایت «کاخ ورسای» نیز ازسرگیری فعالیت این مکان در روز یکشنبه ر اعلام کرده است. این تهدیدهای امنیتی در حالی در روز شنبه منتشر شد که روز فرانسه را در منتهب کرد، که در روز جمعه یک افراطی چپینی تیار، معلم مدرسه‌ای در شهر آراس فرانسه را با ضربات چاقو به قتل رساند و سه تن دیگر را زخمی کرد. ضارب در گذشته دانش‌آموز این مدرسه بود. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه قتل این معلم را ترورستی خواند و دستور داد تا ۷۰۰۰ سرباز فرانسوی با استقرار در سرتاسر این کشور، امنیت فرانسه را بهبود بخشد.

نامزدهای جایزه ادبی «چوک» معرفی شدند

نامزدهای اولین دوره جایزه ادبی «چوک» معرفی شدند. به گزارش ایسنا، سوری رحیمی دبیر این جایزه ادبی دربراره روند برگزاری آن گفت: «این جایزه ادبی برای اولین‌بار تقریباً به تمامی انواع نگارش ادبی توجه داشته است و تلاش دارد نگاه مخاطبان را به دیگر نگارش‌های ادبی جلب کند. امکان دارد در سال‌های پیش روز باهم بخش‌هایی به این جایزه ادبی اضافه شود. جوایز مربوط به آثار و فعالیت‌های سال ۱۴۰۱ است و هرساله به امید خدا این اختتامیه را در مهرماه خواهیم داشت.» مراسم جشن هجدهمین سال فعالیت خانه داستان چوک و اختتامیه این جایزه ادبی روز پنجشنبه ۲۷ مهرماه ساعت ۱۵ به آدرس میدان هفت تیر، ابتدای محض جنوبی، بعد از کوچه همراه، پلاک ۱۵۸، سالن اجتماعات عرفان برگزار می‌شود و حضور برای همه علاقه‌مندان آزاد است.